**علی جوادی**

**کارگران و سیاست کنترل کارگری**

بحث کنترل کارگری بار دیگر در جامعه مطرح شده است. قابل انتظار نیز بود. این بار یکی از فعالین کارگری نیشکر هفت تپه در مقابل توطئه ها و تلاشهای کارفرما و دولت سرمایه رسما اعلام کرد چنانچه کارفرمایان به خواست کارگران پاسخ مناسب ندهند، مدیریت و اداره کارخانه را در دست خواهند گرفت!.کارخانه را خود اداره خواهند کرد. کنترل کارگری!

واقعیت این است که بحران اقتصادی پیکره جمهوری اسلامی را در بر گرفته است. جمهوری اسلامی به لحاظ اقتصادی یک پروژه ورشکسته به تقصیر است. حاکمت سرمایه و اسلام نتیجه ای جز فقر و فلاکت و خانه خرابی برای کارگر و توده مردم زحمتکش نداشته است. کارگران و مردم بپاخاسته در پی چاره جویی برای پایان دادن به این وضعیت ناهنجار هستند. مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی در محور چنین تلاشهایی قرار دارد. شعار مرگ بر فقر، مرگ بر گرانی بازتاب دو فوریتی بودن چنین معضلی در جامعه است. چه ملزوماتی سیاست کنترل کارگری را در جامعه مطرح کرده است؟ این سیاست به چه معضلاتی پاسخ میدهد؟ این سیاست چه چشم اندازی را در مقابل فعالین کارگری و جنبش کمونیسم کارگری قرار میدهد؟ محدودیت ها و محدوده های این سیاست کدامند؟

به جلو آمدن سیاست کنترل کارگری ناشی از موقعیت ویژه ای است که بخشهایی از طبقه کارگر در آن قرار گرفته اند. و این سیاست یک پاسخ کارگری روشن و کمونیستی به این شرایط است. واقعیات زیر برخی از زمینه های عینی طرح چنین سیاستی هستند:

۱- صد ها هزار کارگر مدتهاست که دستمزد شان با تاخیر چند ماهده پرداخت میشود. اخراج کارگران ابعاد گسترده ای بخود گرفته است. بیکاری و گرانی یک واقعیت زمخت و خشن در جامعه است. این روند نتیجه بحران و فلج اقتصادی سرمایه داری ایران است.

۲- سیاستهای اقتصادی دولت اسلامی سرمایه عملا برخی از واحدهای تولیدی و صنعتی را به رکود کشانده و در آستانه تعطیلی قرار داده است. بعضا فروش و تاراج ابزار و ماشین آلات تولیدی و کلا خود عوامل تولید راه سریعتری برای سرمایه و جانیان حکومتی برای انباشت و ثروت اندوزی است. این سیاست نیرویی است که آینده ای در جامعه ندارد. خود میداند که محکوم به فنا است.

۳- سیاست تحمیل فقر و فلاکت اقتصادی یک رکن تلاش ارتجاعی رژیم اسلامی برای به زانو در آوردن کارگران، در کنار سرکوب مستقیم و همه جانبه، در شرایط کنونی است.

این شرایط اقتصادی را فقط میتوان "فلاکت اقتصادی" نامید. این شرایط یک استثناء و مساله ای خارج از نرم فعالیت اقتصادی سرمایه در ایران نیست. محصول طبیعی عملکرد سرمایه داری و حکومت اسلامی در ایران است. حکومتی که نفس بقاء و تدوام هر روزه آن با اعتراض توده های مردم سرنگونی طلب روبرو شده است. مقابله با فلاکت اقتصادی تحمیل شده بر طبقه کارگر یک واقعیت روزمره جامعه است. مبارزه علیه دستمزدهای پرداخت نشده، مبارزه علیه اخراج و بیکار سازی کارگران، مبارزه علیه به تعطیلی کشاندن واحدهای تولیدی و چپاول وسایل تولیدی، مبارزه برای افزایش دستمزد ها و دریافت بیمه بیکاری، جملگی از عرصه های متفاوت مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در شرایط حاضر هستند.

ما در دوره کنونی شاهد اعتراضات و اعتصابهای گسترده کارگری در واحدهای مختلف صنعتی هستیم. این اعتراضات علیرغم گستردگی و حمایت توده های مردم، علیرغم پیش رویها، بعضا به اهداف خود دست نیافته اند. "عدم سود آوری" و عدم قابلیت رقابت با کالاهای وارد شده یک بهانه کارفرمایان برای تعطیلی و به رکود کشاندن واحد تولیدی و فروش وسایل تولید است. در چنین شرایطی اعتصاب کارگری، قدرت از کار انداختن چرخ تولید و توزیع، از همان جایگاه و توانی که در یک واحد تولیدی "سود آور" وجود دارد، برخوردار نیست. مثلا در همان ساعت اول اعتصاب در "ایران خودرو" شریان اقتصادی "بیت امام" و برخی ارگانهای دیگر حکومت اسلامی را وادار به " واکنش" میکند. هم سود و جیبشان به خطر افتاده است و هم رژیم و دستگاه حکومتی و نظام حاکم. هر دستگاه اتوموبیلی که در کارخانجات ایران خودرو تولید نشود، چندین میلیون تومان ضرر مستقیم به صاحبان سرمایه و انگلهای اسلامی حاکم خورده است. اما اعتصاب در واحدهایی که چنین موقعیت اقتصادی را به دلایل مختلف ندارند از قدرت و نقش لازم برخوردار نیست. زمانیکه یک سیاست کارفرما به تعطیلی کشاندن و فروش و حراج وسایل تولید است، اعتصاب الزاما کارآیی همیشگی خود را ندارد. نتیجتا یک سئوال اساسی در مقابل رهبران کارگران در چنین شرایطی این است: استراتژی کارگران برای پیروزی بر کدام مولفه ها باید متکی باشد؟ آیا کارگران باید بنشینند و شاهد بیکاری و اخراج و تعطیلی واحد تولیدی باشند؟ در چنین شرایطی و در مواجه با این فلاکت اقتصادی یک سیاست میتواند به دست گرفتن اداره کارخانه و واحد تولیدی و یا به عبارت دیگر سیاست کنترل کارگری باشد.

مسلما کنترل کارگری تمام سیاست کارگری و کمونیسم در مقابله با فلاکت اقتصادی موجود نیست. یکی از حلقه ها و ابزاری است که کارگر میتواند به آن متوسل شود. مبارزه ما علیه فلاکت اقتصادی ابعاد گسترده و متنوعی دارد. ما برای پرداخت فوری تمامی دستمزده های معوقه مبارزه میکنیم. ما برای بیمه بیکاری مکفی مبارزه میکنیم. ما برای افزایش دستمزد و تعیین دستمزدها توسط نمایندگان مستقیم کارگران مبارزه میکنیم. ما برای جلوگیری از اخراج کارگران مبارزه میکنیم. ما برای لغو قراردادهای برده وار سفید امضا مبارزه میکنیم. ما برای بیمه درمانی مناسب و قابل دسترس برای همه مبارزه میکنیم. در کنار این مبارزه همزمان میتوانیم برای اعمال کنترل کارگری نیز مبارزه کنیم. کنترل کارگری میتواند یک رکن تلاش و سیاست ما در مقابله با فلاکت اقتصادی باشد.

کنترل کارگری میتواند گام و گوشه ای از سیاست عمومی ما در خارج کردن کنترل تولید و توزیع و ارائه خدمات در جامعه از دست سرمایه و دولت اسلامی باشد. ما برای سوسيالیسم مبارزه میکنیم. ما برای جامعه ای مبارزه میکنیم که شهروندان و تولید کنندگان مستقیم نیازهای جامعه خود در مقام تعیین چند و چون تولید، میزان تولید، نوع تولید و شرایط تولید و ... قرار گیرند. نظارت و کنترل کارگری یک گام در این راستا است. مسلما اجرای این سیاست به معنای حاکمیت اقتصادی سوسیالیسم در واحد تولیدی و یا استقرار مناسبات اقتصادی سوسیالیستی نیست. اما اقدامی اولیه در این راستا و همسو و هم جهت با این مجموعه از فعالیت است.

این سیاست در کدام واحدهای صنعتی و خدماتی قابل اتخاذ است؟ هر کجا که کارگران بتوانند چنین سیاستی را پیش ببرند، میتوان و باید چنین سیاستی را اتخاذ کرد. فاکتور اولیه و تعیین کننده، قدرت و نیرو و درجه اتحاد و همبستگی کارگری است. اما اجرای این سیاست در مراکز تولیدی و خدماتی با ضروریات متفاوتی مواجه است. در واحدهایی که در حال تعطیلی و یا ورشکستگی هستند و یا به نابودی کشانده شده اند، اتخاذ این سیاست از مبرمیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. در این واحدها مساله معاش و بقای کارگر مورد تعرض قرار گرفته است. بیکاری و اخراج بعضا معادل محکومیت به فقر و فلاکت گسترده است. در شرایطی که جامعه به سوی یک ورشکستگی اقتصادی همه جانبه رانده میشود، در چنین شرایطی نظارت و کنترل کارگری یک راه واقعی و عملی در مقابله با این تعرض کارفرما است.

کارگران رادیکال – سوسیالیست و رهبرای عملی کارگری میتوانند این افق و سیاست را در کنار سایر سیاستها و راههای عملی مقابله با فلاکت اقتصادی قرار دهند. این سیاست به کارگر امید میدهد. گوشه ای از یک مجموعه راه حل واقعی است. به کارگر امکان میدهد که سیاستهای سازشکارانه و دنبال روی از بخشهایی از بورژوایی را بطور همه جانبه ای خنثی و حاشیه ای کند. با اتخاذ سیاست کنترل کارگری، کارگر دست بالا را در مقابله با توطئه های کارفرما پیدا میکند. حتی شبح پیشبرد این سیاست به کارگر نیرو میدهد.

واقعیت این است که ابعاد فلاکت کارگری روز به روز در حال گسترش است. باید دست به اقدامات روشن و ویژه ای زد. باید قدرت کارگر را برای حاکم کردن بر سرنوشت خود به میدان کشید. کنترل کارگری یک سیاست تعرضی در این شرایط دهشتناک است. باید برای نبردهای جدی و اساسی آماده شد. کارگران سوسیالیست و رادیکال میتوانند با به میدان کشیدن طبقه کارگر در این شرایط نیروی سوسیالیسم طبقه کارگر را در پیشاپیش اعتراضات و مبارزه طبقه کارگر قرار دهند. به میدان کشیدن طبقه کارگر در مبارزه علیه فلاکت اقتصادی یک شرط پیشروی در شرایط کنونی است.

ما در عین حال به فعالین کارگری میگوئیم که پیشبرد چنین سیاستی کار ساده و سهل نیست. ما توهمی به معضلات و مسائل پیشاروی نداریم. اما هراس از پیشروی، سیاستی نیست که ما در دستور خود قرار دهیم. یک نقطه قدرت سیاست کنترل کارگری را باید در راهگشا بودن، عملی بودن و تعرضی بودن آن دید. این سیاست یک پاسخ روشن و عملی به بحران اقتصادی حاکم بر جامعه است. کنترل کارگری گوشه ای از اراده مستقیم و بلاواسطه کارگر را در پیشبرد واحد اقتصادی متحقق میکند.

اصلی ترین مساله در این چهارچوب بنظر من جا انداختن این سیاست و افق توسط فعالین و سازماندهندگان و رهبران عملی کارگری در صفوف کارگران است. هم اکنون کارگران نیشکر هفت تپه در گیر مبارزه ای همه جانبه با کارفرما و دولت اسلامی در رابطه با ادامه کاری و دریافت دستمزدهای معوقه خود هستند. ماههاست که حقوق و مزایای آنها پرداخت نشده است. کارفرما مدعی است که این واحد "سود ده" نیست. میخواهند زمینهای زراعی این واحد صنعتی را به فروش بفرسانند و به تدریج کارخانه را تعطیل کنند. کنترل کارگری همانگونه که یکی از رهبران کارگری مطرح کرد، یک راه حل واقعی است. باید به یک سیاست جا افتاده در بخشهایی از طبقه کارگر تبدیل شود.

کارگران نباید اجازه دهند که واحدهای تولیدی را به نابودی بکشانند. کارگران نباید اجازه ندهید که کارفرما ابزار و وسایل تولید معاش و مایحتاج زندگی مردم را به تاراج بگذارد. کارگران نباید اجازه دهند که یا اخراجشان کنند یا درهای کارخانه را به رویشان ببندند و یا به گوشه ای پرتابشان کنند. راه دیگری علاوه بر راههای تاکنونی برای مقابله با این شرایط هم وجود دارد. کنترل کارگری یکی از راه حل ها است. کارگران و تشکلات کارگری میتوانند واحد تولیدی را در تحت نظارت و کنترل خود بگیرید. دفاتر مالی را باز کنند. دست عوامل سرکوب کارگران و عوامل به نابودی کشاندن کارخانه را از سرنوشت مراکز اقتصادی کوتاه کنند. اراده و سیاست خود را حاکم کنند. کارگران میتوانید چرخ کارخانه و واحد تولیدی را بدون عوامل سرمایه و کارفرما به حرکت در آورند. جلوی دزدیها و چپاول عوامل سرمایه را بگیرید. به هر درجه که میتوانید بر سرنوشت خود حاکم شوند. این سیاست در شرایطی که توازن قوا هر روز به نفع توده مردم بپاخاسته و طبقه کارگر تغییر میکند، میتواند به یک واقعیت عینی تبدیل شود.